



«قصه‌های مجید» عطف

به زبان صربی



Хитан Морис Керман
Maңingo ve priче

«قصه‌های مجید» نوشته هوشنگ مرادی کرمانی توسط الکساندر دراگوچ به زبان صربی ترجمه شده و در نمایشگاه کتاب بلگراد عرضه می‌شود.

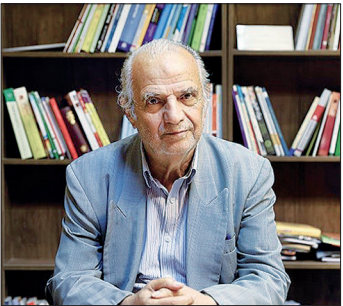
ایسنا این خبر را منتشر کرد و به نقل از روابط‌عمومی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نوشت: رابیزنی فرهنگی کشورمان در بلگراد با همکاری «مرکز ساماندهی ترجمه و نشر معارف اسلامی و علوم انسانی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» این کتاب را از سوی انتشارات اسلوژینی گلاسنیک (بزرگ‌ترین ناشر دولتی صربستان) در ۳۷۸ صفحه و با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه منتشر کرده است. ترجمه صربی گزیده «قصه‌های مجید» در شصت و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب بلگراد (۲۸ مهر تا ۵ آبان ۱۳۹۸) در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

این کتاب شامل ۲۲ قصه از کتاب «قصه‌های مجید» است که مراحل ترجمه و انتشار آن بیش از یک سال به طول انجامیده است.

کتاب «قصه‌های مجید» را هوشنگ مرادی کرمانی نوشته و سریالی که بر اساس داستان‌های این کتاب ساخته شد، به شهرت این مجموعه افزود. مرادی کرمانی به عنوان مهمان افتخاری در نمایشگاه بین‌المللی بلگراد و در غرفه ایران حضور دارد و از ترجمه «قصه‌های مجید» در این نمایشگاه رونمایی خواهد شد.

محمود حکیمی پیام

محبت رارونمایی می‌کند



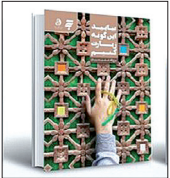
مراسم رونمایی کتاب «پیام محبت» نوشته محمود حکیمی برگزار می‌شود. ایسنا خبر داده که به همت فرهنگسرای خاتم(ص) و با همکاری کتابخانه حکیمی و انتشارات مدرسه، فردا چهارشنبه، این کتاب رونمایی می‌شود. پیام محبت، صد و هشتاد و پنجمین کتاب محمود حکیمی، نویسنده پیشکسوت کودکان و نوجوانان است که در ۱۰۴ صفحه و با قیمت ۱۸هزار تومان در انتشارات مدرسه منتشر شده است.

داستان پیام محبت درباره مروان و مرتضی است. مروان پاکستانی و از پیروان مذهب حنفی و مرتضی ایرانی و شیعی مذهب است. این دو در آلمان رشته معماری می‌خوانند و بدون ساسیت به باورهای مذهبی یکدیگر با هم دوست هستند. گرچه مروان گاهی تحت‌تأثیر تبلیغات سوء وهابیون در مورد شیعیان، درباره دوستش دچار تردیدهایی می‌شود.

این شرایط ادامه دارد تا آن‌که مروان وارد گروهی می‌شود و پی می‌برد که هر آنچه تکفیری‌ها درباره اسلام و تعالیم آن و همچنین درباره شیعیان می‌گویند دروغ است.

نویسنده در این کتاب که برای نوجوانان نگاشته بر این نکته تأکید کرده که آموزه‌های اسلام براساس مهرورزی و محبت است، همچنان که امام صادق علیه‌السلام فرموده است: «آیا دین غیر از محبت چیز دیگری است؟» حکیمی علاوه بر آیات بسیاری از قرآن کریم، بر روایات و احادیثی از ۱۴ معصوم (ع) در مورد ضرورت محبت و مهرورزی در جامعه تأکید کرده است.

همچنین در این داستان علت‌های گرایش به دین اسلام و نمونه‌هایی از مسلمان شدن بسیاری از افراد ذکر شده است.



انتشار ۴ عنوان کتاب در آستانه شهادت امام رضا (ع)

مدیرعامل به‌نشر تازه‌های این انتشارات در حوزه کتاب‌های رضوی را در آستانه سالروز شهادت امام علی بن موسی الرضا (ع) اعلام کرد. فارس در این باره نوشت: مجموعه «ادعیه، زیارات، نمازها، صلوات، اذکار، حرزها و نیایش‌های امام رضا (ع)، «امام رضا (ع) و کرامت انسانی»، «غنیای امام رضا (ع) به روایت عالمان» و «بیابید این‌گونه زیارت کنیم» عناوین این چهار کتاب است.

چرا «ملت عشق» کتاب خوبی برای ساخت سریال

درباره مولانا آن هم توسط نتفلیکس نیست؟

ملت عشق

علیه شاعر عشق

🔗 نتفلیکس قصد دارد از رمان «ملت عشق» اثر الیف شافاک یک سریال بسازد؛ از آنجا که این رمان

درباره مولانا و شمس است و تا امروز تولیدات این شرکت آمریکایی در تمام جهان مورد توجه بوده،

همین دو دلیل ساده کافی است که بدانیم آیا خانم شافاک در کتابش تصویر درست و مستدلی از

مولانا ارائه کرده و در اقتباس از اثر او قرار است چگونه مولانا یا شمس به جهانیان معرفی شود؟

ضمن این‌که این روزها حسن فتحی هم ساخت فیلم «مست عشق» را در ترکیه آغاز کرده و برای

بسیاری از علاقه‌مندان به ادبیات فارسی و مولوی‌پژوهان این نگرانی و دغدغه ایجاد شده بود که مبدا

موفقیّت کتاب ملت عشق و فروش بالای آن، هوش از سر حسن فتحی برده باشد و او برای ساخت

اثرش به این کتاب استناد کند. همان روزها یک جریان توپیتری هم شکل گرفت و جمعی در این باره ابراز نگرانی کردند از جمله

محسن بوالحسنی، نویسنده کتاب «شرح آن الف» که گزیده مقالات شمس تبریزی است.

غاثله‌ای که بوالحسنی آغازش کرده بود با یک عکس آرام گرفت؛ حسن فتحی تصویری از خودش و استاد محمدعلی موحد ادیب، مورخ

و عرفان پژوه منتشر کرد و به دغدغه‌مندان اطمینان داد برای ساخت فیلمش از چنین استادان معتبر و دانشمندی مشاوره خواهد گرفت.

اما به راستی چرا ملت عشق گزینه مناسبی برای ساخت یک فیلم یا سریال درباره مولانا نیست و نتفلیکس با اقتباس از این کتاب چه اشتباهاتی

مرتکب خواهد شد؟ برای رسیدن به پاسخ این سؤال چه جوابگویی بهتر از محسن بوالحسنی؟

اصل ماجرا

گفتن ندارد که حسن فتحی ساخت فیلم مست عشق را در

ترکیه آغاز کرده و حتما می‌دانید شهاب حسینی قرار است

نقش شمس را بازی کند و پارسا پیروزفر مولانا را و نیز تعدادی

بازیگر اهل ترکیه هم در این فیلم حضور خواهند داشت. اما

این را شاید هنوز ننشیده باشید که بوکسler چهارشنبه هفته

پیش خبری منتشر کرد مبنی بر این که شرکت نتفلیکس

قصد دارد سریالی بر اساس رمان ملت عشق اثر الیف شافاک

بسازد. این کتاب با عنوان ۴۰قانون عشق درباره آشنایی و

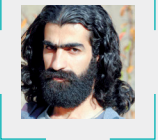
ارتباط شمس و مولانا در قرن هفتم هجری است.

چرا فیلم مهم‌تر از کتاب است؟

شاید کتاب‌هایی مانند ملت عشق فروش زیادی داشته باشد و خیلی‌ها آن را بخوانند و با این واسطه مولانا را بشناسند، اما بعید است تعداد مخاطبان فیلمی درباره مولانا با تعداد مخاطبان کتاب ملت عشق قابل مقایسه باشد، حتی خیلی تفاوتی ندارد این فیلم یا سریال را نتفلیکس ساخته باشد یا حسن فتحی چون جذابیت سینما و تصویر اتفاق ویژه‌ای رقم خواهد زد و برای طیف گسترده‌ای از مخاطبان مولانا و شمس را تصویر خواهد کرد. شاید مهم‌ترین و اصلی‌ترین نکته درباره ساخت یک اثر دقیق و مستند درباره مولانا همین باشد و همین طور اصلی‌ترین دغدغه علاقه‌مندان ادبیات، عرفان‌پژوهان و مولانا پژوهان و قشر فرهیخته همین باشد، اما نکته دیگری هم هست که به این دغدغه دامن می‌زند.

از زندگی مولانا و شمس تبریزی روایت روشن و دقیقی در دست نیست. بوالحسنی بر این نکته تأکید می‌کند و توضیح می‌دهد: نمی‌توان مستندات کاملی درباره زندگی شمس و مولانا ارائه کرد. مثلاً

عده‌ای می‌گویند شمس توسط علماءالدین کشته و به چاه انداخته شد، اما اگر شمس کشته شد چرا مولانا کسانی را گسیل می‌کند که او را پیدا کنند؟ و بسیاری ابهامات از این دست.



منابع موثق درباره مولانا کدامند؟

اگر کتاب‌هایی مانند کیمیا خاتون و ملت عشق منابع موثقی برای ساخت فیلم و سریال درباره مولانا نیستند، پس چه منابع موثقی در این باره موجود است؟ بر اساس توضیحات محسن بوالحسنی چهار کتاب بسیار موثق درباره زندگی شمس و مولانا وجود دارد:

- مناقب‌العارفین نوشته شمس‌الدین احمد افلاکی
- رساله سپهسالار نوشته فریدون بن احمد سپهسالار
- معارف بهاء ولد (از پدر مولانا)
- مقالات شمس

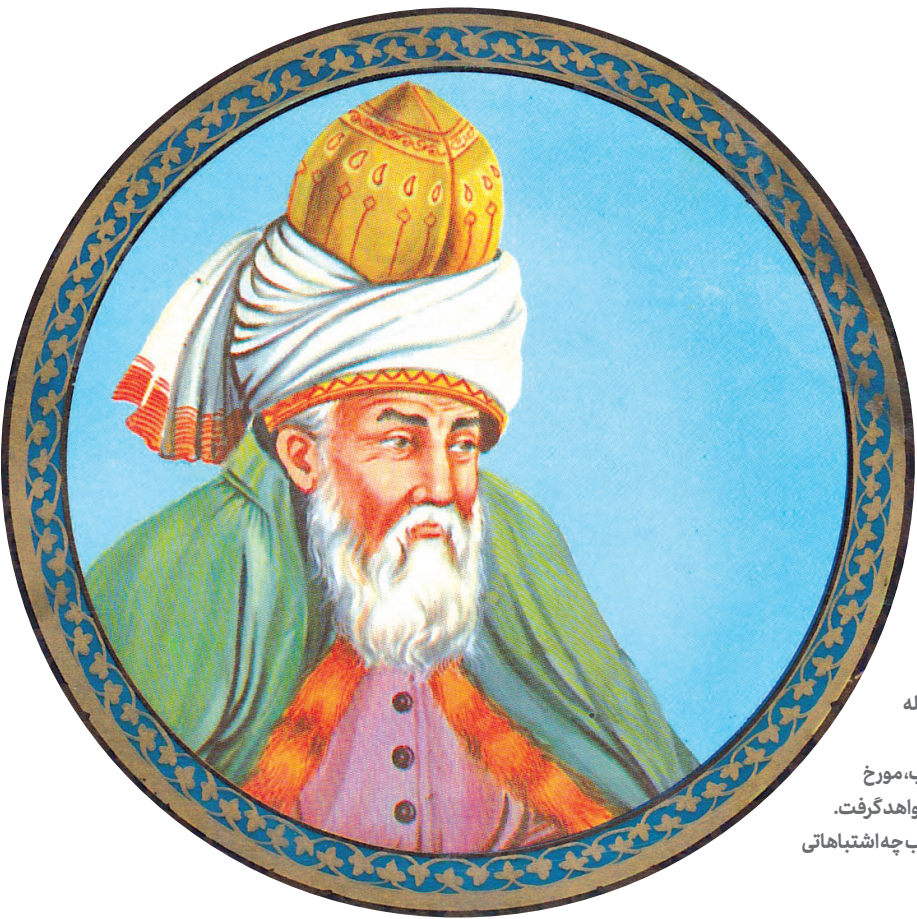
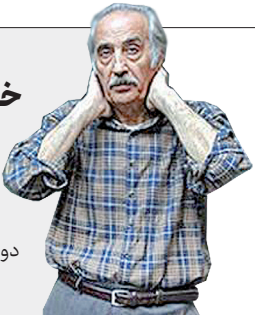
بوالحسنی می‌گوید این کتاب‌ها به چند دلیل موثق هستند؛ همه این کتاب‌ها به فاصله کمی بعد از مرگ مولانا گردآوری شده‌اند و شامل گذشت زمان نشده‌اند.

در این کتاب‌ها نقل‌های مشترکی وجود دارد که می‌تواند به عنوان نقل معتبر مورد استناد قرار بگیرد. به طور طبیعی مطلبی که در چند کتاب درباره مولانا نقل شده باشد به حقیقت نزدیک‌تر و قابل استنادتر است تا مطلبی که در یک منبع ذکر شده باشد.

در این کتاب‌ها به زندگی، اندیشه و نیز خانواده و حتی اجداد مولانا نیز پرداخته شده و اطلاعات کم و بیش روشنی از این شخصیت تاریخی به دست می‌دهد، اما آن‌طور که بوالحسنی می‌گوید از شمس تبریزی اطلاعات ویژه‌ای در دست نیست به جز مقالات شمس که تا قبل از گردآوری آنها، بسیاری گمان می‌کردند شمس یک شخصیت خیالی است. بعد از آن‌که نسخه‌های پراکنده از مقالات شمس توسط

خانه سپانلو سرپاست

در خیابان جمالزاده، خانه‌ای هست که ادیبان و فرهیختگان بسیاری در آن مهمان محمدعلی سپانلو بوده‌اند؛ خانه‌ای که سال ۱۳۸۲ به ثبت ملی رسیده است، اما کمی پیشتر بیژن اشتری، نویسنده و مترجم در اینستاگرامش از تخریب این خانه خبر داد و حسابی از این بابت ابراز نگرانی کرد. دیروز مهدی اخوت وصی و دوست محمدعلی سپانلو این خبر را رد کرد و به ایسنا گفت تخریب خانه سپانلو صحت ندارد.



فتحی چگونه مولانایی خواهد ساخت؟

طبیعی است که حسن فتحی نیز نظر شخصی و تصویر مد نظر خودش را درباره مولانا به تصویر خواهد کشید، اما برای کسانی چون بوالحسنی این مهم است که این نگاه و تصویر بر اساس مستندات دست اول شکل گرفته باشد.

جعل تاریخ از نظر بوالحسنی زمانی رخ می‌دهد که هنرمند نگاه و نظر شخصی خودش را به اثرش وارد کند و در حالی که شخصیت‌های واقعی مانند شمس و مولانا را تصویر می‌کند، از تخیلاتش بهره بگیرد نه از اسناد و مستندات. او درباره نتیجه کار حسن فتحی هم نگران است و هم امیدوار؛ حضور استاد محمدعلی موحد در کنار فتحی از نظر بوالحسنی

امیدوارکننده است و سابقه حرفه‌ای فتحی کمی باعث نگرانی.

بوالحسنی در این باره می‌گوید: فتحی درام‌ساز است، درام‌های عاشقانه با شخصیت‌های سیاه و سفید، کارنامه فیلمسازی فتحی حکایت از آن دارد که باید منتظر یک ملودرام عاشقانه بود که مولانا در آن تقدس دارد حال آن‌که برای مولانا تقدسی وجود ندارد. اگر فتحی درباره مولانا به اندازه کافی پژوهش کند حتما به اینجا خواهد رسید که هر آنچه مولانا گفته برگرفته از جهان بینی شمس بوده.

می‌دانیم که حسن فتحی سریال روشن‌تر از خاموشی را درباره ملاصدرا ساخته است، اما به نظر بوالحسنی ساخت اثری درباره مولانا قابل مقایسه با ساخت اثری درباره ملاصدرا نیست. درباره زندگی ملاصدرا نقل‌های متفاوت و متناقض وجود ندارد، همه چیز روشن و گویاست، بدون هیچ تردیدی اما درباره مولانا اوضاع طور دیگری است. این فیلم اگر آن‌طور ساخته شود که باید، لاید مولانا تقدیس می‌شود و شمس تکفیر!

چرا ملت عشق موثق نیست؟

اگر قرار است مولانا و شمس را بشناسید بهتر است دور کتاب‌هایی مانند ملت عشق یا کیمیا خاتون را خط بکشید. این توصیه اهالی ادب است و کسانی که درباره زندگی مولانا مطالعه کرده‌اند؛ مثل محسن بوالحسنی. نه این‌که فکر کنید این افراد به واسطه سائل‌ها مطالعه و پژوهش جدی برای کتاب‌های داستانی و رمان ارزش و اعتباری قائل نیستند، برعکس؛ بوالحسنی از تمجید کتاب ملت عشق دریغ نمی‌کند و آن را یک داستان بسیار تکنیکی می‌داند که بسیار هوشمندانه نوشته شده و اگر قرار باشد کسی داستانی درباره مولانا بخواند حتماً آن را پیشنهاد می‌کند، اما در عین حال توضیح می‌دهد: مولانای ملت عشق، ساخته و پرداخته الیف شافاک است و نظر شخصی او درباره این شاعر و عارف بزرگ، همین‌طور شمس و کیمیا خاتون. در این کتاب که روایت داستانی دارد، با نظر شخصی نویسنده مواجه هستیم و به همین دلیل نمی‌تواند مرجع مناسبی برای آقای فتحی یا نتفلیکس باشد.

این نویسنده به کتاب دیگری که درباره زندگی مولانا نوشته شده یعنی «کیمیا خاتون» اشاره می‌کند و آن را کاملاً دور از واقعیت می‌داند و این‌طور توصیف می‌کند: این کتاب کاملاً برآمده از تخیلات نویسنده است و به هیچ عنوان نمی‌توان به چنین آثاری برای ساخت فیلمی درباره مولانا استناد کرد. در این کتاب شمس، کیمیا خاتون را می‌کشد در حالی که برای چنین اتفاقی هیچ سندی در تاریخ وجود ندارد. رابطه شمس و کیمیا خاتون از آن دست مواردی است که در کتاب ملت عشق و کیمیاخاتون آنها را در تضاد قرار می‌دهد. در کتاب اول این رابطه عاشقانه توصیف شده و در دومی کاملاً برعکس اما به گفته بوالحسنی اصل ماجرا بر اساس مستندات تاریخی این است که کیمیا نیش و کنایه می‌زده و شمس بدخلاق و بدزبان بوده است؛ رابطه آنها نه عاشقانه بود چنان که ملت عشق القا می‌کند و نه شمس همسرش را کشته، آن‌طور که در کیمیا خاتون آمده است.

گاف‌های ملت عشق کدام هستند؟

کتابی که الیف شافاک درباره شمس و مولانا نوشته، داستانی

است که با همه ارزش‌های داستانی که کسی چون بوالحسنی

برای آن قائل است، گاف‌های تاریخی دارد. در ادامه چند نمونه

از این گاف‌ها را ذکر می‌کنیم که بوالحسنی به آنها پرداخته است:

❖ **شمس بر خلاف آنچه در «ملت عشق» آمده، نه تنها صوفی نبوده، بلکه از صوفیه بی‌زار بوده و در این باره نقل‌ها و روایت‌هایی از او در مقالات شمس آمده است.**

کسی چون محمدعلی موحد تعلیق و تنظیم شد، اطلاعاتی درباره شمس به دست آمد.

دلیل دیگری وجود دارد که این کتاب‌ها منابع موثق‌تری باشند؛ بوالحسنی متذکر می‌شود که این چهار کتاب زندگی‌نامه هستند و روایت داستانی از مولانا به دست نمی‌دهند.

از توضیحات این نویسنده، نکته دیگری نیز حاصل می‌شود؛ این‌که گویا عرفا عادت به نوشتن نداشته‌اند؛ آنچه از شمس و مولانا و حتی بهاء‌الدین مانده، توسط نزدیکان و شاگردان آنها مکتوب شده است و مثلاً مقالات شمس را حسام‌الدین چلبی و پسر مولانا مکتوب کرده‌اند. به همین دلیل در مقالات شمس هر بار روی سخن با کسی است و مخاطب واحد ندارند. ضمن این‌که مقالات شمس سویه‌های عجیبی داشته و زندگی‌نامه او را هم شامل شده چرا که او به تناسب موضوعات، داستان‌هایی درباره خودش، پدرش و خانواده‌اش روایت کرده است.

این توضیحات بوالحسنی حاکی از آن است که مقالات شمس شاید منبع کامل و جامعی نباشد، اما برای شناخت این شخصیت کاملاً مستند است. بر اساس این کتاب‌ها حقایق بسیاری درباره شمس مولانا آشکار می‌شود از جمله این‌که:

- لحظه تاریخی دیدار شمس و مولانا دقیقاً غروب روز ۱۶آذر در کاروانسرای شکرریزان بوده است!
- شمس به قدری لاغر بوده که خودش گفته است او را برای کارگری هم نمی‌بردند.
- شمس به حد آزاردهنده‌ای صریح و رک حرف می‌زده و حتی این صراحت جزو اصول او بوده است.



❖ **مولانا سال‌ها بعد از شمس، همچنان اهل شریعت و فقیه بوده و از او نقل شده که اگر در سما بودم مراسد انکنید مگر آن‌که کسی برای استفتای نظر فقهی آمده باشد، اما شخصیت شریعت‌مدار مولانا را در «ملت عشق» نمی‌بینیم.**

❖ **کیمیا در «ملت عشق» معشوق است و مورد عشق واقع شده و از کنایه‌ها و بدگویی‌های او که در مستندات تاریخی آمده خبری نیست.**

❖ **«ملت عشق» از شمس و مولانا و کیمیا تصویری عرفانی ساخته، حال آن‌که زمینی‌ترین عارف در کل تاریخ ادبیات و عرفان ماکسی نیست جز شمس تبریزی.**

